

## تماشای شعله‌های تلخ سینما رکس

محسن بوالحسنی خبرنگار

خبر مسرت بخشی که در این روزهای تلخ، کام ایرانی‌ها را شیرین کرد این بود که دو فیلم سینمایی ایرانی در بخش جنبی جشنواره ونیز جایزه دریافت کردند اولین فیلم ، فیلم دشت خاموش به کارگردانی احمد بهرامی بود که جایزه فیپرشی (جایزه انجمن جهانی منتقدان) را هم در این بخش دریافت کرد. و جایزه دیگر مربوط به فیلم سینمایی «جانیت بی‌دقت» به نویسندگی نسیم احمدپور و شهرام مکرری بود که جایزه بهترین فیلمنامه اورژینال را از انجمن منتقدان مستقل در

محمد مهدی عسگرپور در گفت و گو با «ایران» از دیپلماسی فرهنگی سینما می‌گوید

# تریبون سینماگران نافذتر از دادوستدهای سیاسی است

نرگس علشوری خبرنگار

«پرچم ایران زیر درخشش نوافکن‌ها بر فراز کاخ جشنواره به اهتزاز درآمد و چنان صحنه پرشکوهی پدید آمده بود که دوست داشتیم به همه بگوییم: «ما ایرانی هستیم!»» حس و حال نهفته در این عبارات که بخشی از صحبت‌های عباس کیارستمی بعد از دریافت نخل طلا برای فیلم «طعم گیلاس» با مجله «گزارش فیلم» است را حالا خیلی از سینماگران ما تجربه کرده‌اند. اما تجربه اغلب آنها در مواجهه با واکنش مسئولان و عامه مردم بعد از دریافت جایزه، متفاوت از جنس تجربه کیارستمی است. طوری که اصغر فرهادی بعد از کسب موفقیت فیلم «فروشنده» در این جشنواره می‌گوید «هنگامی که از کن به ایران بازگشتیم در فرودگاه به شهاب حسینی گفتم که همین مسیر را عباس کیارستمی به همراه نخل طلا آمده اما عده‌ای در فرودگاه ایستاده بودند تا او را برند.» حس عمومی جامعه بعد از موفقیت‌های اصغر فرهادی در اسکار گویای این واقعیت است که در چند سال اخیر جوایز بین‌المللی سینما برای علاقه‌مندان نه چندان جدی سینما هم مهم شده است. باوجود این هنوز هم شناخت اهمیت حضور بین‌المللی سینمای ایران و جوایزش و باور این نکته که اهالی سینما می‌توانند سفیران شایسته ایران در مجامع بین‌المللی باشند نیازمند فرهنگ‌سازی است. اولین دوره مراسم تجلیل از افتخار آفرینان سینمای ایران در عرصه بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ که شامگاه جمعه ۲۱ شهریورماه همزمان با روز ملی سینما به همت جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد تلاش‌هایی در همین راستاست. در این باره با محمد مهدی عسگریوور دبیر سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجرگفت‌وگو کرده‌ایم.

■ **اغلب اهالی سینما پشت تریبون از جای خالی چنین مراسمی گفتند. به گفته نرگس علایی در تمام این سال‌ها از موفقیت‌های بین‌المللی اهالی ورزش در برنامه‌هایی ویژه تقدیر شده اما موفقیت بین‌المللی سینما گویا فقط برای علاقه‌مندان سینما و اهالی آن اهمیت دارد. چرا در سیاست‌های کلان اهمیت این حضور پررنگ نشده است که حالی که موفقیت‌های بین‌المللی سینما هم فرصتی است برای ایجاد شور و شوق ملی. همان چیزی که اتفاقا ملت ایران به آن نیاز دارد.**

افتخارات سینمای ایران در تمام حوزه‌ها

کوتاه، بلند، مستند، داستانی و... کم نیست.

خیلی هم زود شروع شد. در دهه ۶۰ و در روزهایی که کشور درگیر جنگ بود. متأسفانه از دوره‌ای سینما هم مثل خیلی از داشته‌هایی که قدرش را نمی‌دانیم فدای منازعات گروهی و جناحی شد. گروه‌های سیاسی برای تخطئه گروه دیگر با محصولات آن دوره که مهمترین سینماست، برخورد می‌کنند. در این میان به یک نکته دیگر هم از سر غفلت و کم‌آگاهی دامن زده شد. عمده آثار به نمایش در آمده در فستیوال‌های جهانی، فیلم‌های انتقادی نسبت شرایط موجود است. اینگونه نیست که فقط فیلم‌های ایرانی بازتاب‌دهنده نقاط ضعف باشند و محصولات کشورهای دیگر پروپاگاندا. بررسی علمی و آماری تأییدکننده این واقعیت است که سینمای ایران نجیب‌تر از بقیه آثار شرکت‌کننده در این جشنواره‌هاست. اما در منازعات آمار و تحقیق و بررسی علمی مکه‌پرانی‌های سیاسی و درگیری‌های احزاب است. در تمام سال‌ها به خصوص در دوره حضور در فارابی شاهد بودم که افتخارات سینمایی چه تأثیر مثبتی در سطح بین‌الملل دارد. دیپلمات‌ها می‌گفتند که فلان فیلم سینمای ایران که اتفاقاً در داخل کشور انگ صباه‌نمایی خورده نمایشش در کشور فرانسه باعث گشایش در مذاکرات شده و ما را در اهداف سیاسی‌مان یک قدم جلوتر برده است. احساس کردم برگزاری چنین برنامه‌ای در کنار جشنواره جهانی فیلم فجر می‌تواند فضایی ایجاد کند تا اهمیت موضوع روشن شود و راجع به آن فکر کنیم. این برنامه قرار بود در زمان جشنواره برگزار شود که با توجه به تعویق یک‌ساله جشنواره و نبود جشنی برای پاسداشت روز ملی سینما تصمیم بر آن شد که در این روز با تمام پروتکل‌های بهداشتی برنامه را برگزار کنیم.

■ **در همین ابتدای کار و برگزاری اولین دوره این رویداد با چالش هم مواجه شده‌اید. جمله اینکه دو تشکل صنفی مستندسازان با صدور بیانیه از جای خالی افتخار آفرین‌های بین‌الملل سینمای ایران در عرصه فیلم مستند، کوتاه‌وازمینش گلایه کرده‌اند.**

من می‌پذیرم که باید به برخی مسائل هم توجه می‌شد ولی خب مجالش وجود نداشت. مستندسازان بیانیه داده‌اند و لابد دستان فعال در حوزه انیمیشن و فیلم کوتاه هم همین توقع را دارند. در بیانیه‌شان هم در کنار نقدشان از برخی لفاظی‌ها و کلمات نابجا استفاده کردند که پاسخ من برای آنها

بماند برای جای دیگر. اگر قرار بود در یک مراسم از تمام این آثار تقدیر شود برنامه ۸/ شب تادونیمه شب طول می‌کشید. لابد برای آنها مهم نیست چون صرفاً به منافع صنفی خود فکر می‌کنند. مگر مستندسازان جشنواره و جشن مستقل ندارند. «سینما حقیقت» و جشن مستندسازان باید همین کارکرد را هم داشته باشد اما گاهی زیاده‌خواهی‌ها باعث می‌شود واقع‌بین نباشیم. بدانیم اظهارنظرهای غیرکارشناسانه برگزارکنندگان را دل‌سرد می‌کند. ممکن است مدیران را از این نتیجه بپرساند که سال آینده چنین مراسمی نداشته باشیم. فیلمسازان با ژست فرهنگی‌اش فکر می‌کند نباید به برنامه بیاید اما بلافاصله بعد از برنامه، تأکید می‌کنم بلافاصله بعد از برنامه در فاصله ۲۰۰ متری محل برگزاری هدیه نقدی خودش را دریافت می‌کند. اینها مسائل دردآور درونی خودمان است که البته شاید با برگزاری متعدد بخشی از آن حل شود. نکته مهم اینکه بسیاری از این بدآموزی‌ها حاصل سوءمدیریت‌ها است. مدیریت‌هایی که با باج دادن یا جابه‌جایی برنامه به خاطر یک صنف و یک شخص مسیر برنامه را تغییر دادند، باعث این بدآموزی شدند.

■ **برخی معتقدند سینماگران بهترین سفیران ایران هستند. نمونه اخیرش جشنواره ونیز است که شهرام مکرری و مجید معجیدی از تریبون این جشنواره برای منافع ملی و مردم ایران و تحریک‌ها استفاده کردند. صحبت‌هایی که در نشست‌های خبری مطرح می‌شود فقط بازتاب رسانه‌ای دارد یا می‌تواند کارکرد حتی سیاسی هم داشته باشد.**

کارکردهای متنوع و متفاوت دارد. برخی اوقات می‌تواند کارکرد سیاسی گسترده هم داشته باشد. دوربین خبرنگار‌های چندین کشور به طور همزمان تریبون اکادمی اسکار و جشنواره برلین و کن و... را پوشش می‌دهد. این رویدادها برای مردم جهان، سیاستمداران و اهالی فرهنگ بخصوص می‌افتد. ما که زیاده‌مزد و زندگی مان روی روال مهم است. کشوری که آثار سینمایی‌اش به بخش اصلی جشنواره راه پیدا کرده از نظر آنها کشور قوام یافته‌ای به نظر می‌رسد. این موفقیت را فقط با تلاش‌های فردی یک فیلمساز نمی‌تواند بدآورشان این است که اولاد نمایند یک کشور توسعه یافته است که چنین تولیدی داشته. یک سیاستمدار ممکن است از تریبون خودش نکته‌ای درباره تحریم‌ها بگوید اما اظهارات او در لایه‌های اهداف سیاسی و یگومگو و گفت‌وگو محدود سیاست قرار می‌گیرد. اما درباره هنرمندان این‌طور نیست. در تازه‌ترین مورد صحبت‌های مجید معجیدی و پیش از آن فرهادی و کیارستمی و خیلی‌های دیگر کارکردش ده‌ها برابر تریبون‌هایی است که سیاستمدارهای ما از آن استفاده کرده‌اند. این کوچک شمردن تریبون سیاستمداران نیست در واقع اهمیت حوزه فرهنگ است که باید جدیت گرفته شود.

■ **تعویق یک‌ساله جشنواره جهانی فیلم فجر برای آنهایی که عموماً با هزینه جشنواره همه چیز را می‌سجند ممکن است این سؤال را ایجاد کند که مگر غیبت یک‌ساله جشنواره چه تبعاتی داشت که اصرار بر برگزاری این جشنواره داشته باشیم. آیا این غیبت یک**



اندازه ماجرای سینما رکس تلخ، اما گویای روایتی امروزی از چهل سال پیش است. چند سال پیش به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۷، از چند کارگردان و نویسنده ایرانی مثل رضا امیرخانی،

محمدعلی نجفی، داریوش فرهنگ و... درباره «چرا با توجه به پتانسیل‌های دراماتیک این ماجرا، در سینمای ما هرگز به آن پرداخته نشده است» سؤال پرسیده شد که پاسخ همگی



**ساله می‌تواند ملاک سنجش تبعات حذف جشنواره باشد؟**

در حوزه فرهنگ و هنر اندازه‌گیری بود و نبود یک رویداد خیلی سخت است. ممکن است برخی فکر کنند اصلاً با نبود جشنواره فیلم فجر یا بالاتر از آن تولید نشدن آثار سینمایی یا حتی تلویزیونی چه اتفاقی می‌افتد. ما که زیاده‌مزد و زندگی مان روی روال مهم است. کشوری که آثار سینمایی‌اش به بخش اصلی جشنواره راه پیدا کرده از نظر آنها کشور قوام یافته‌ای به نظر می‌رسد. این موفقیت را فقط با تلاش‌های فردی یک فیلمساز نمی‌تواند بدآورشان این است که اولاد نمایند یک کشور توسعه یافته است که چنین تولیدی داشته. یک سیاستمدار ممکن است از تریبون خودش نکته‌ای درباره تحریم‌ها بگوید اما اظهارات او در لایه‌های اهداف سیاسی و یگومگو و گفت‌وگو محدود سیاست قرار می‌گیرد. اما درباره هنرمندان این‌طور نیست. در تازه‌ترین مورد صحبت‌های مجید معجیدی و پیش از آن فرهادی و کیارستمی و خیلی‌های دیگر کارکردش ده‌ها برابر تریبون‌هایی است که سیاستمدارهای ما از آن استفاده کرده‌اند. این کوچک شمردن تریبون سیاستمداران نیست در واقع اهمیت حوزه فرهنگ است که باید جدیت گرفته شود.

■ **یعنی برگزاری این چند دوره مستقل جشنواره آنقدر دیپلماسی فرهنگی تأثیرگذار بوده که اگر روزی حذف شود منتظر تأثیرات آن از بدترین حالت مثال می‌زنم. فرض کنید دو کشور در حال خاصه هستند. در یکی از کشورها رویداد بین‌المللی با حضور میهمانانی از قاره‌های مختلف برگزار می‌شود و کشور دیگر فاقد هر رویداد بین‌المللی است. نام و سر نوشت کدام کشور برای چهره‌های فرهنگی تأثیرگذار دیگر کشورها، آشناتر و مهم‌تر است. سابقه حضور میهمانان فرهنگی در کشورمان نشان داده که هر کدام‌شان به کشورشان که برگشته‌اند بازتاب**



فرشته هاترپور، فاطمه معتمد آریا و رضا میر کریمی در اولین دوره تجلیل از افتخار آفرینان سینمای ایران |

هر بار که ما از جشنواره‌های خارجی جایزه دریافت می‌کنیم نام ایران را بالا می‌بریم. ما نمایندگان فرهنگی سینمای ایران هستیم. بدون مردم رونق بگیرد و هیچ پدری دشت خالی به خانه نرود. در کنار سامان شدن زندگی مردم، سینما نیز به رونق گذشته بازگردد.

**احمد مسجدجامعی:** خوب است که

**منهاز محمدی:** بیش از اینکه تشویق بشوم توبیخ شده‌ام؛ در اصل باید سال آینده

■ **یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹**

■ **سال بیست و ششم**

■ **شماره ۷۴۴۲**

به بهانه برگزاری نمایشگاه «همپای نور»

### «همپای نور» تالّو عاشورا در زندگی است

مریم سادات کوشه خبرنگار

«همپای نور» نمایشگاه جدید عبدالحمید قدیریان با ۳۲ اثر نقاشی و با تکنیک رنگ روغن مدتی است که در موزه هنرهای معاصر فلسطین برپاست و تا ۲۶ شهریور ماه هم ادامه دارد. «همپای نور» ادامه نمایشگاه «آسمان حسین» است که در سال ۹۴ برپا شد. این هنرمند در نمایشگاه جدیدش که با محور محرم و عاشورا و تاسوعای حسینی است، تلاش کرده با دو عنصر تکرارنشونده در کلیه نقاشی‌های خود یعنی آسمان و نور مخاطب را به درک و فهم تازه‌ای از قیام امام حسین (ع) برساند.

قدیریان در پاسخ به اینکه چرا نام نمایشگاه جدیدش را «همپای نور» گذاشته، به «ایران» می‌گوید: «سعی کردم به نور به‌عنوان یک عنصر فعال و عمل‌کننده در حیات آدمی بپردازم و امید به روزی که با این نور همراه شویم.»

این هنرمند ادامه می‌دهد: «نقاشی‌های نمایشگاه جدیدم با عنوان «همپای نور» قدم بعدی و تکمیل‌کننده نمایشگاهی است که در سال ۹۴ به‌نام «آسمان حسین» برگزار کردم. نمایشگاهی که در آن به آسمان پرداختم و اکنون به نور اختصاص داده‌ام.»

قدیریان در پاسخ به اینکه چرا این وجه از عالم هنر را انتخاب کرده است و بیشتر نقاشی‌هایش در بعد دینی و معرفتی است، می‌گوید: «می‌خواهم از طریق نقاشی جایگاهم را در عالم هستی پیدا کنم. سوالات فلسفی در ذهن همه انسان‌هاست. هرکسی به نوعی و از طریق‌ی با آن برخورد می‌کند. اما من مدیومی که برای فهم آن انتخاب کردم نقاشی است و قصد دارم از مجرای فضای دینی این سیر را ببیمایم. البته به این معنا نیست که من این سیر را رفته و رفته به جایی رسیده‌ام بلکه به این بهانه خود را در فضای معرفتی قرار داده‌ام و دیگران را نیز با برپایی نمایشگاه دعوت می‌کنم تا به این بعد از دین که بسیار مغفول مانده توجه کنند.»

او در جواب این سؤال که برای رسیدن به این هدف مطالعاتی دارید؟ گفت: «در گذشته در کتاب‌ها به‌دنبال جواب می‌گشتم ولی اکنون به این نتیجه رسیده‌ام که آن مطالعات کلیات نمی‌کند. برای همین سعی کردم بیشتر با روش قرآن پیش بروم. روشی که خدا دوست دارد و ما را دعوت به آن می‌کند.»

او در توضیح این مطلب گفت: «خدا دوست دارد که ما به آیتش توجه کنیم و در آن تصعق و تفکر و تدبیر کنیم. دقت کردن و حساس شدن به آیات الهی که در پیرامون ما رخ می‌دهد باعث می‌شود تا حدودی به برنامه‌های خداوند بی‌بریم و سعی کنیم خود را با آن برنامه‌ها همراه نماییم و این باعث رشد و تعالی است.»

قدیریان در ادامه سخنانش افزود: «هنرمندان هم مانند بقیه مردم از خطی که در آن هستند



تأثیر می‌گیرند. البته هنرمندان بیشتر از مردم عادی رنگ محیط را به خود می‌گیرند، اگر محیط مثبت باشد تأثیر مثبت و اگر منفی باشد تأثیر منفی بر آنها می‌گذارد، برای همین همنشینی با علما روی هنرمندان دینی بسیار تأثیر دارد. هنرمند چیزی را خلق می‌کند که با آن درگیر است.»

این نقاش هنرمند پیش‌تر تابلویی از امام حسین (ع) کشیده و در آن امام را در حالی که شمشیر در دست دارد و تنها در مقابل دشمنان مهاجم ایستاده و مقاومت می‌کند به تصویر کشیده است. او در پاسخ به اینکه چرا چنین اثری خلق کرده است؟ و آیا صرفاً به قیام عاشورا مربوط می‌شود؟ تصریح کرد: «آن تابلو را به یاد مقاومت بچه‌های لبنان و جهت ارتقای روحیه آنها، در جنگ ۳۳ روزه کشیدم. زمانی که آنها تنها مانده بودند و در مقابل دشمن غدار ایستادگی می‌کردند. البته پیشنهاد کشیدن این تابلو را یکی از فرماندهان حزب‌الله به من داد و گفت، کاش تابلویی از تنهایی امام حسین (ع) بکشید که در مقابل دشمن ایستادگی می‌کنند. من هم این اثر را خلق کردم.»

قدیریان در آثارش تابلوهایی بسیاری از شهدا دارد. آثاری که عموماً شهدا را آسمانی نشان داده است. مثل تابلوی شهید حججی. او در مورد خلق آسمانی شهدا می‌گوید: «شهدا چون زنده هستند و مظهری شاد و زنده در فضای آبی آسمان می‌کشم.» او در پاسخ به اینکه چقدر توانسته است با نقاشی‌هایش پیام عاشورا را به نسل جدید منتقل کند؟ افزود: «در خلق این گونه آثار هر مقدار که هنرمند در معرض معارف ناب اهل بیت قرار داشته باشد و آشنارش را بر گرفته و متأثر از آن، کار کند، می‌تواند مخاطبان بیشتری جذب کند. البته نوع نگرش هنری و تکنیک نیز در جذب مخاطب تأثیر دارد. فعلاً من قدم‌های ابتدایی خود را در این زمینه برمی‌دارم و تلاش دارم مفاهیم الهی را درک کنم و آنها را به تصویر بکشم.»

بی‌نیصیب از آثار ارزشمند ناموری چون بهرام بیضایی بوده‌اند.

**حامد بهداد:** همه ما ۸۰ میلیون نفر خیلی با هم یک هستیم. روح‌مان با هم گره خورده. به هم خوشاودیم. برای من دشوار است که لحظه‌ای در یادمان باشیم و تریبونی در اختیار داشته باشیم اما یاد این‌کنم از کسانی که در زندان هستند. از همه کسانی که مُشتی و ذی‌صلاح هستند؛ تجدید نظر و مهریانی می‌خواهم. به نحوی دل ما را بشنودیم. چرا می‌باشنودیم.

**سیدعباس صالحی:** ما وقتی با جهان بیرونی از طریق سینما ارتباط پیدا می‌کنیم جان‌ورزان ایرانی را با جهان ارتباط می‌دهیم. دیپلماسی فرهنگی ما از طریق سینما یکی از قوی‌ترین دیپلماسی‌هاست. دیپلماسی فرهنگی ایران در جهان دیپلماسی بی‌مزد و منت و کم هزینه‌ست. کمتر حوزه‌ای هست که چنین دیپلماسی‌ای را پیش برده باشد.